

اقتصاد مردمی از تحول در زیر ساخت ها شروع می شود. تحول در نهاد دولت، تحول در نهاد بازار، تحول در نهاد خانواده و هم چنین تحول در نهاد علم. تا این نهاد ها متحول نشوند زیر ساخت ها برای مردمی کردن اقتصاد فراهم نمی شود

من معتقدم که یارانه های درآمدی به جای یارانه های تورمی جایگزین شود. یارانه های درآمدی شامل این می شود که این ۴۰ تا ۵۰ هزار تومانی که ما سالانه به مردم می دهیم قبل از این که به مردم داده شود در تولید و اشتغال سرمایه گذاری شود و با سود آن به مردم پرداخت شود

ترکیه ۲۷ میلیون گردشگر دارد. مالزی ۲۴ میلیون گردشگر دارد ما ۳ میلیون گردشگر داریم و این ۳ میلیون هم عمدتاً از قشر ضعیف هستند که هر کدام به طور متوسط ۳۰۰ دلار در ایران هزینه می کنند. در طول سال ۸ میلیون گردشگر داریم که به طور متوسط دو هزار دلار خارجی می کنند یعنی ۱۶ میلیارد دلار در سال گذشته خارج کردند و یک میلیارد دلار وارد، یعنی تراز گردشگری ما منفی ۱۵ میلیارد دلار است. در حالی که ما جاذبه های طبیعی و باستانی زیادی داریم. آنقدر ما در ایران فضا داریم که می توانیم میلیون ها نفر را وارد ایران کنیم و میلیارد ها پول توسط این افراد وارد کشور ما شود. یعنی کسی نمی آید خودش را با ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر مواجه کند. یک بخش عمده ای از کمبود درآمد از طریق تقویت گردشگری جبران کنیم. لازم هم نیست از ارزش ها عدول کنیم. در کشور های اسلامی فراوان گردشگر هست که برای ورود به ایران مشکلات فراوانی دارند. یکی از این مشکلات هزینه های اولیه است. یک گردشگر که وارد یک کشور می شود ۲ نوع هزینه انجام می دهد یک خرید سوغاتی و امثالهم و یکی آن خدماتی که می گیرد مثلاً حمل و نقل، هتل و خدمات دیگر این خدمات در ایران بسیار گران است در ترکیه و مالزی بسیار ارزان است هر گردشگری که وارد ایران می شود در طول ۳ روز حدود ۵۰۰ هزار تومان هزینه دارد ولی در ترکیه و مالزی برای ۶ روز کمتر از ۶۰۰ هزار تومان هزینه می کند. در آنجا گردشگر خرید مفصلی می کند، اما این جا همین هزینه های اولیه خودش باز دارنده است.

خب این یک تدبیر می خواهد بنابر این ما هم نیاز به ساختار های جدید داریم و هم این که به یکسری فعالیت ها اولویت بدهیم. در تحریم های اقتصادی باید یک باز آری کنیم هم ساختار اقتصاد کشور و هم فعالیت های اقتصادی کشور.

در این مساله مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام خاصی انجام داده است یا خیر؟

(در همین موضوع باز آری ساختار های اقتصادی) مقام معظم رهبری دو ماوریت اصلی به ما محول کرده اند که در حال سیاست گذاری هستیم یکی تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و یکی هم اقتصاد مقاومتی که ایشان ایده اصلی را دادند و ما داریم سیاست های پیشنهادی را تنظیم می کنیم. مجمع در سیاست گذاری به عنوان مشاور رهبری می تواند نظرات را بدهد ولی باید دولت و مجلس این سیاست ها را اجرایی کنند. به نظر ما اگر مجلس و دولت سیاست های کلان رهبری را اجرایی کنند بخش زیادی از مشکلات می تواند برطرف شود. **سرنوشت فاز دوم هدفمندی در شرایط فعلی چه خواهد بود؟ بعضی از کارشناسان قائل هستند که هدفمندی یارانه ها هزینه های تولید و دولت را افزایش می دهد لذا در راستای اقتصاد مقاومتی نیست، نظر شما چیست؟** من معتقدم که یارانه های درآمدی به جای یارانه های تورمی جایگزین شود یعنی اصل یارانه ها ادامه داشته باشد ولی ماهیت یارانه ها باید درآمدی شود و نه تورمی، یارانه های درآمدی شامل این می شود که این ۴۰ تا ۵۰ هزار تومانی که

میلیون نفر پول اقساط سهام را کم نکنید و سود امسال را هم به آن ها بدهید. بحث یارانه های درآمدی با سهام عدالت متفاوت است.

دقیقاً ساز و کار آن چیست؟

این پول اول می رود به حساب مردم بعد قبل از این که مصرف شود در تولید سرمایه گذاری می شود و بعد از آن با یک سود بیشتری به حساب مردم بر می گردد. منتها همه اش در حساب های خودشان است.

اخیراً خانم کلینتون اظهاراتی داشته است مبنی بر این که امکان لغو سریع تحریم ها علیه ایران وجود دارد. با توجه به باز خورد های خبری، ظاهراً پیشنهاد شده تعلیق غنی سازی ۲۰ درصد به شرط لغو تحریم ها انجام شود و فروش اورانیوم ۲۰ درصد را کشور های عضو آژانس به ما بدهند چقدر این بحث را عملی می دانیم؟ و اگر این بحث ها رخ دهد چه اثراتی در اقتصاد خواهد داشت؟

آمریکایی ها دقیقاً مثل یک دزدی هستند که دزدی را انجام داده اند ولی می خواهند تقصیر را ایندازند گردن صاحب خانه اصلاً این حرف ها مربوط به این است. اگر واقعاً این مسئله صحت دارد بیا ایند اعلام کنند از زمانی که ایران این حرکت را بکند ما این اقدام را انجام می دهیم کلی گویی کردن علامت اجرا نکردن است. بسیار بعید است که این کار را انجام دهند و البته ما باید در دیپلماسی فعال باشیم. حتی اگر ما تحریم ها را متوقف کنیم خب این یک گام به جلو است. زمانی این ها حاضر به یک مذاکره جدی می شوند که بفهمند ما تحریم ها را در داخل داریم خنثی می کنیم. اولین علامتی که توانایی ما را در اداره کشور ببینند حاضر خواهند شد پشت میز مذاکره بنشینند و ما از یک موضع برابر با آن ها صحبت خواهیم کرد.

و گرنه این حرف ها برای این است که شدت عصبانیت ما را کاهش دهند تا ما دست به یک عمل متقابل نزنیم. چون این ها همه نوع عملی را از ما تصور می کنند فکر می کنند ما تنگه هر مز را ببندیم. وقتی فشار بالا رود ممکن است ما به هر کاری دست بزنیم و یا ممکن است در منطقه یک کاری انجام دهیم. این ها برای این است که عصبانیت ما را کاهش دهند یک حرف های کلی را مطرح می کنند. ولی من موافقم این ادعا ها در عمل تست شود. ضمن این که آن ها نمی گویند ما از شما چه می خواهیم. بحث آن ها ۲۰ درصد نیست اگر بود باید در مذاکرات قبلی اصل

غنی سازی را از ما قبول می کردند. یعنی یک گام ما می رفتیم جلو و یک گام هم آن ها می آمدند اما این ها تن به این بازی برد برد ندادند.

